

است و طبیعتاً بیان و ابرازش در قالب یک رویکرد خاص و مشخص نمی‌گنجد، لہذا تنها راه معقولی که برای بیان این تجربه نیز می‌توان برشمرد بیش از آن که شکل‌گیری یک فرمول مشخص - یک نشریه و اجد شرایط - باشد، در تکثر و تنوع بیش از پیش رویکردها - و نشریاتی - است که به نحوی جدی بدین موضوع بپردازند.

ارزیابی کارنامه یک نشریه احتیاج به زمان دارد و باید در انتظار انتشار چند شماره دیگر فکھ بود و سپس به داوری در باب نقاط ضعف و قوت آن پرداخت ولی در عین حال با توجه به همین شماره اول می‌توان نکاتی را یادآور شد. اگر بخشی از هدف انتشار چنین نشریه ای آشنایی جوانان با «دریای بیکران» این تجربه است، که به نظر می‌آید چنین باشد. برای موفقیت در این تلاش، باید این واقعیت را در نظر داشت که نسل جوان امروز نه انقلاب را دیده و نه با جنگ آشنایی نزدیک دارد، او در فضای دیگری رشد کرده و با کلمات و شیوہ بیان دیگری مانوس است. صرف اکتفا به نقل خاطرات و حکایاتی از آن دوره، که در عین اهمیت و ارزش برای نسل جنگ دیده، شاید برای نسل جدیدتر جذابیت خاصی نداشته باشد در امر برقراری ارتباط با قشر وسیع جوانان

مشکل خواهد داشت و نشریه فقط برای طیف مشخصی که خود این تجربه را گذرانده اند، مفهوم خواهد بود.

نکته دیگر آن که علیرغم ابراز تمایل به ارائه کاری نو و بدیع، نگاهی کلی به محتوای نخستین شماره نشان می‌دهد که فکھ نیز همانند برخی از نشریات یا صفحات ویژه جراید بیشتر به چاپ شعر، متن های عرفانی و احساسی و خاطرات پرداخته است و حال آن که جنگ از لحاظ سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی نیز مضامین فراوانی در خود دارد که شاید در صورت طرح، به جلب طیف وسیع تری از مخاطبان توفیق یابد. شاید یکی از تفاوت های عمده آن با برخی از دیگر نشریات مشابه در آن باشد که خاطرات منتشر شده در این نشریه، نه خاطرات فرماندهان که خاطرات رزمندگان سطوح پائین تر است که به گفته دست اندرکاران فکھ به لحاظ زاویہ نگاه ها با خاطرات فرماندهان تفاوت دارد (ص ۴۲).

گفتگو ۱۹

رضا آذری شہر ضایی

نیاز به اندیشیدن

اگر اقدام به انتشار نشریه ای جدید تا چند سال پیش کار مشکلی بود، دست زدن به چنین کاری از یک سال و نیم پیش واقعاً کار پر مخاطره ای شده است. پر مخاطره نه لزوماً به دلیل مشکلات عدیده ای که نشریات با قوہ قضاییه در مجموع و هر از چندگاهی نیز با هیئت نظارت دارند، بلکه پر مخاطره از این جهت که تعدد

ماہنامه
فرہنگی
اجتماعی
سیاسی

فکھ

سال اول
شماره اول

خرداد ۱۳۷۸ - صفر ۱۴۲۰ - ژوئن ۱۹

نشریات باعث شده است که نشریه جدید مجبور به جلب نظر خوانندگانی باشد که به دلیل کمی وقت و محدودیت روزافزون بودجه رغبتی به خرید «باز هم یک نشریه دیگر» از خود نشان ندهند. در این بازار رقابتی شدید، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها در شرایط سخت تری به سر می‌برند. چرا که با توجه به سرزندگی فضای سیاسی کشور و علاقه عموم به کسب خبر روزانه، بخش اعظمی از همان بودجه و وقت محدود صرف خرید و مطالعه روزنامه‌ها می‌شود که تعدادشان نیز پس از دوم خرداد خوشبختانه رو به افزایش گذاشته است. در یک چنین شرایطی است که **اندیشه جامعه** که شماره اولش حدود یک سال پیش به بازار آمد و با وقفه ای چند ماهه، اکنون تقریباً به طور منظم هر دو ماه یکبار -مانند اکثر قریب به اتفاق ماهنامه‌ها- منتشر می‌شود. و طرفه آن که علیرغم تمامی مشکلاتی که نام بردیم با همین چند شماره با استقبال نیز روبرو بوده است.

اهمیت درک دلایل این استقبال، زمانی دو چندان می‌شود که بدانیم با اختصاص تقریباً تمامی صفحات خود به مسائل جامعه شناختی،

اندیشه جامعه خود نیز در بادی امر به گزینشی از خوانندگان بالقوه خود دست زده است.

انتخاب موضوع‌های مناسب و اختصاص چند مقاله به آن در هر شماره که خواننده را مطمئن می‌سازد که بار دیگر با یکی از این نشریاتی رو به رو نیست که هر چه می‌رسد و دم دست دارند کنار هم می‌گذارند و به چاپ می‌سپارند، می‌تواند یکی از دلایل استقبال نامبرده باشد. دلیل دیگر این موفقیت را باید در توانایی گرداندگان نشریه در گردآوری مجموعه مقالاتی دید که موضوع شان در زمره مسائل روز جامعه است. در شماره دوم **اندیشه جامعه** سلسله مقالاتی در ارتباط با جنبش پ. ک.ا. ک.ا که به دلیل طرح روزمره سرنوشت رهبرش -اوجالان- از پوشش خبری بالایی در مطبوعات روزانه برخوردار بود در اختیار خوانندگان قرار گرفت و شماره ۳-۴ نیز به شوراها که آن نیز موضوع مورد توجه عموم در ماه‌های اخیر بوده است، اختصاص یافت.

درج مقالاتی در **اندیشه جامعه** که حاصل تحقیقات جامعه‌شناسی هستند و در نتیجه از پشتوانه علمی در خور توجهی برخوردار می‌باشند را باید یکی دیگر از دلایل موفقیت این

اندیشه جامعه

مطبوعات در گیر و دار بحران

بدون تردید در دو سال اخیر مسائل مربوط و مطروح مطبوعات، به ویژه روزنامه ها، از حساس ترین و بحث انگیزترین موضوعات در عرصه سیاست و اجتماع بوده است. روزنامه زن که در پی تعطیل دو هفته ای اش در روز ۱۹ بهمن، با شکل و شمایل جدید کار خود را از سر گرفته بود تنها چهار روز پس از تعطیلات نوروز و آغاز فعالیت های مطبوعاتی به حکم دادگاه انقلاب، به جرم درج پیام نوروزی همسر شاه سابق، از انتشار محروم شد. واکنش ها تند بود و همگان، از جمله مسئولان وزارت ارشاد، بر آن بودند که طبق قانون حکم به تعطیل روزنامه ها را باید دادگاه مطبوعات با حضور هیئت منصفه بدهد، اما حکم حکم دادگاه بود. یکی از مهم ترین مسائلی که این واقعه پیش کشید، موضوع امنیت شغلی روزنامه نگاران بود که در هیاهوهای دیگر گم شد و کسی چندان آن را پی نگرفت. این در حالی بود که دادگاه مطبوعات هم خود دچار بحرانی درونی شده بود: در آخرین ماه سال گذشته، پنج تن از اعضای هیئت منصفه در اعتراض به رأی صادره در لغو امتیاز مجله آدینه (۱۴ بهمن ۷۷) در دادگاه رسیدگی به اتهامات روزنامه گیهان شرکت نکردند و قاضی دادگاه مطبوعات پس از امتناع مجدد آن پنج نفر از حضور در ترکیب هیئت منصفه، حکم محرومیت آنان را به مدت دو سال از عضویت در هیئت مزبور صادر کرد. اختلاف اعضای هیئت منصفه و قاضی دادگاه بر سر این بود که هرگاه هیئت منصفه مدیر مسئولی را شایسته تخفیف بداند

نشریه به شمار آورد. مقاله کوتاه «پشت تصویر جامعه»، (علیرضا اهوازی، اندیشه جامعه، شماره ۲، دیماه ۷۷، ص ۲۸) و مقاله «مطالعه جامعه شناختی اعتصابات کارگری در واحدهای صنعتی شهر تهران، ۲۷-۶۸»، (ابراهیم حاجیانی، اندیشه جامعه، شماره ۱، تیرماه ۷۷، ص ۳۶-۳۰) نمونه های جالب توجهی از این دست مقالات به شمار می آیند.

در مجموع، استقبال خوانندگان نشریات از اندیشه جامعه از نیازی در جامعه حکایت می کند که باید هم از وجود آن خرسند بود و هم ابزارهای لازم را برای برآوردنش تدارک دید. گشایش روز افزون فضای مطبوعاتی و گسترده شدن حیطه موضوعاتی که به طور روزمره در مطبوعات مورد توجه قرار می گیرند، انبوهی از مسائل را به صورت خبر در اختیار عموم قرار می دهد. روشن است که این پدیده همراه با خود به نیازی دامن می زند که برآوردنش نمی تواند بخشی از وظائف مطبوعات روزانه به شمار آید و جامعه به نشریاتی احتیاج دارد که با عمق بیشتری به تحلیل همین موضوعات روز بپردازند و نیاز به اندیشیدن بیشتر را در مورد آنها برآورده سازند. کاری دشوار، اما کاری که اندیشه جامعه با انتشار پنج شماره نشان داده است که دور از دسترس نیست.

م. ث.